

فاطمه علیها السلام و دفاع از ولایت

دکتر قاسم بستانی / نصره باجی

دانشیار دانشگاه شهید چمران / دانشجوی کارشناسی علوم قرآن و حدیث

چکیده

فاطمه علیها السلام از جمله شخصیت‌های اسلامی ویژه، با فضیلت‌ها و خصوصیت‌های ویژه است. او فرزند بسیار عزیز و نزدیک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ترتیب شده اوست. از سویی دیگر، همسر یکی از بزرگ‌مردان تاریخ اسلام، علی علیه السلام است... ویژگی‌های ممتاز این سرور بانوان، او را مقامی بسیار والا بخشیده و نظر و رأی ایشان نسبت به مسائل و موضوعات، حجت و ملاک عمل متدینان قرار گرفته است. از جمله موضوعاتی که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله رخ داد، امر جانشینی او بود که در نهایت، به تقسیم مسلمانان به دو گروه موافق وضع موجود و مخالف آن (و طرفداران علی علیه السلام) انجامید. اما موضع فاطمه علیها السلام در این خصوص چه بوده است؟ آیا ایشان ساکت از کنار این اختلافات گذشتند یا آنکه در دفاع از فرد یا جریان خاصی تلاش کردند؟ این تلاش‌ها چگونه بوده است؟

در این مقاله، که به روش کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل داده‌ها تدوین گردیده، سعی می‌شود ابعاد فعالیت‌ها و اقدامات مختلف دخت گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام در خصوص ماجرای خلافت و جانشینی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله ترسیم شود. در نهایت، آشکار می‌گردد که ایشان از هیچ اقدامی برای رساندن حق خلافت به محق آن یعنی علی علیه السلام، فروگذاری نکرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: فاطمه علیها السلام، علی علیه السلام، خلافت، ولایت.

مقدمه

حضرت فاطمه علیها السلام از جمله بزرگانی است که از نزدیک شاهد حوادث تلخ و شیرین صدر اسلام بود و خود نیز در برخی از آنها نقش اساسی و حساس داشت. از جمله حوادث تلخ صدر اسلام، موضوع جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله است که علی رغم نص صریح قرآن و حدیث (که محل بحث آن در این نوشتار نیست)، گروهی با اقدام خودسرانه خود، هم موجبات زحمت اهل بیت علیهم السلام و مسلمانان را فراهم آوردند و هم تأثیراتی منفی برجای گذاشتند که آثار آن تاکنون ادامه دارد. فاطمه علیها السلام از آن رو که تربیت شده خاص پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و بر عصمت و صداقتشان تردیدی نیست، در خصوص علی علیه السلام، ولایت ایشان و حوادث صدر اسلام، موضع گیری‌ها و نظرات خود را، علاوه بر اقدامات عملی، در بیاناتی متعدد آورده‌اند. این مقاله می‌کوشد به بررسی بخشی از این موضع گیری‌ها و نظرهای و اقدامات ایشان در خصوص موضوعات مطرح شده بپردازد.

الف. یادآوری اوصاف علی علیه السلام

فاطمه علیها السلام، اوصاف چندی را برای علی علیه السلام ذکر می‌کند که نشان از شناخت عمیق از ایشان و شایستگی آن حضرت برای خلافت دارد. در ذیل، به برخی از این اوصاف، که اغلب در خطبه «فدک» ذکر شده‌اند اشاره می‌شود:

۱. دلاوری در جنگ

«كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ» (مائدة: ۶۴)؛ «او نجم قرن للشیطان او فغرت فاغره من المشركین قذف اخاه فی لهواتها، فلا ینکفی حتی یطأ اخاه فی لهواتها، فلا ینکفی حتی یطأ باخمصه و یخمد لهبها بسیفه»؛ هر گاه صف‌های دشمنان متشکل شده یا در صدد روشن کردن آتش جنگ برمی‌آمدند، خدا آن را خاموش می‌ساخت؛ یا هر هنگام،

گردن‌فرازی از شیاطین سر برمی‌داشت یا یکی از مشرکان دهان باز می‌کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله برادرش را در کام اژدها و گلوگاه آن می‌افکند. او هم تا سرهای دشمن را لگدکوب و آتش جنگ را با شمشیر خود خاموش نمی‌کرد، از جبهه جنگ بر نمی‌گشت. (مغربی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۳۵ / طبری شیعی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵ / طبرسی، ۱۳۱۶ق، ج ۱، ص ۱۳۶ / ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷ق، ج ۱۶، ص ۲۵۰ / ابن طیفور، [بی‌تا]، ص ۱۳ / جوهری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۴۳ / اربلی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۱۱ / ابن طاووس، ۱۳۹۹، ص ۲۶۴ / ابن مردویه، ۱۴۲۴ق، ص ۲۰۲ / ابن دمشقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۵۹ / متن به نقل از طبرسی است)

۲. رنج‌پذیری در راه خدا

«مکدوداً فی ذات الله»؛ در راه خدا رنج‌پذیر بود. (از خطبه فدک، منابع پیش‌گفته)

۳. تلاشگر در راه خدا

«مجتهداً فی امر الله»؛ در راه خدا کوشا بود. (از خطبه فدک، منابع پیش‌گفته) «مشمراً، مجدّاً، کادحاً»؛ تلاشگر، مجد و کوشا. (از خطبه فدک، منابع پیش‌گفته)

۴. نزدیک بودن به رسول خدا صلی الله علیه و آله

«قرباً من رسول الله»؛ به پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک بود. (از خطبه فدک، منابع پیش‌گفته)

۵. بزرگ اولیای خدا

«سیداً فی اولیاء الله»؛ سرور و بزرگی از اولیای خدا بود. (از خطبه فدک، منابع پیش‌گفته)

۶. نصیحت‌کننده و خیرخواه

«ناصحاً»؛ نصیحت‌کننده و خیرخواه بود. (از خطبه فدک، منابع پیش‌گفته)

ب. بیان اوصاف جامعه و مسلمانان بعد از پیامبر ﷺ

از بیانات فاطمه علیها السلام به خوبی آشکار می‌شود که ایشان شناخت صحیحی از حوادث پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و عواملی که به کنار زدن علی علیه السلام انجامید، دارند. این حوادث چنین می‌باشند:

۱. ظهور نفاق و دورویی

«فلما اختار الله لنبيه دار انبيائه و مأوى اصفياؤه، ظهر فيكم حسكة النفاق»؛ وقتی که خدا برای پیامبرش، خانه انبیا و منزلگاه اصفیا را برگزید، خار و خاشاک نفاق که در دل‌ها بود، آشکار شد. (از خطبه فدک، منابع پیش گفته)

۲. آسیب دیدن دین و از راه به‌در شدن مسلمانان

«و سمل جلاباب الدين و نطق كاظم الغاوين و نبع حامل الأقلين و هدر فنيق المبطلين فخطر في عرصاتكم واطلع الشيطان رأسه من مغرزهها تفابكم فالفاكم لدعوته مستجيبين، و للغره فيه ملاحظين ثم استنهضكم فوجدكم خفافاً واحشمكم فالفاكم غضاباً فوسمتم غير ابلکم و اوردکم غير شربکم هذا والعهد قريب و الكلم رحيب و الجرح لما يندمل و الرسول لما يقبر، ابتداراً زعمتم خوف الفتنة "ألا في الفتنة سيطوا وإن جهنم لمحيطة بالكافرين" (توبه: ۹)»؛ و لباس دین پوشیده شد و گمراهان ساکت زبان گشودند، فرومایگان گمنام با قدر و منزلت شدند و اهل باطل به صدا درآمدند و در خانه‌ها و قلمرو شما به تکاپو پرداختند و شیطان سر خویش را از مخفی‌گاه خود بیرون آورد و شما را به سوی خود فرا خواند و شما را به دعوت خود پذیرا یافت، و برای اینکه فریب او را بخورید آماده‌اید. خواست که قیام نمایید، دید که شما راحت و سبک این کار را می‌کنید. شما را به هیجان درآورد، دید که در راه او چه خشمناک می‌باشید، پس بر شتران دیگر داغ و نشانه زدید و بر آبی وارد شدید که سهم شما

نبود. در حالی که از عهد و قرار چیزی نگذشته بود، این شتاب‌زدگی‌ها انجام گرفت. هنوز زمانی از رحلت پیامبر نگذشته بود و جراحت درونی ما در فراق رسول اکرم صلی الله علیه و آله التیام نپذیرفته بود و هنوز به قبر سپرده نشده بود، برای عمل خود بهانه آوردید که از فتنه می‌ترسیدیم، «ولی به راستی که در فتنه افتادند و راستی که جهنم محیط بر کافران است.» (از خطبه فدک، منابع پیش گفته)

۳. انتقاد شدید نسبت به روحیات مسلمانان

هنگامی که فاطمه علیها السلام بیمار شدند (همان بیماری که منجر به وفات آن حضرت شد)، عده‌ای از زنان مهاجر و انصار به عیادت ایشان آمدند. حضرت در جواب آنها که پرسیده بودند: بیماری بر تو چگونه است، بعد از حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أصبحت - والله - عائفة لدنیاکن، قالیه لرجالکن، لفظتم بعد أن عجمتهم و سئمتهم بعد أن سبرتهم فقبحا لفلول الحد واللعب بعد الجد و قرع الصفات و صدع القنات و خطل الآراء و ذلل الأهواء "لبئس ما قدّمت لهم أنفسهم أن سخط الله عليهم و في العذاب هم خالدون" (مائده: ۸۰) لا جرم لقد قلدتهم ربقتها و حملتها أوقتها و شننت عليهم غارتها فجدها و عقراً و بعداً للقوم الظالمين»؛ در شرایطی صبح کردم که از دنیای شما متنفرم و از مردانتان غضبناکم، پس از آنکه آنان را امتحان کردم، به دور افکندم. چه زشت است کندی شمشیرها و سستی و بازی آنها پس از جدیتشان و ترک خوردن نیزه و پیدا شدن افکار نیرنگ‌آمیز و لغزش و هواهای نفسانی. «چه عمل زشت و ذخیره بدی برای خود اندوختند و گرفتار غضب الهی و عذاب بی‌پایان شدند.» بدون شک، طناب و ریسمان این مسئولیت در گردنشان خواهد بود و سنگینی و مسئولیت آن را به دوش آنان انداختم و ننگ و عار را بر آنها ریختم. پس بینی آنها بریده و زخم‌خورده، و دور از رحمت خدا باشند. (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۷۵ / شیخ صدوق، ۱۳۷۹ق، ص ۳۵۴ / طبری شیعی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۲۵ / طبری، ۱۳۸۶ق، ج ۱،

ص ۱۴۷ / ابن طیفور، [بی تا]، ص ۱۹ / جوهری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۲۰ / ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷ق، ج ۱۶، ص ۲۳۳ / اربلی، [بی تا]، ج ۲، ص ۱۱۴ / ابن دمشقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۶۵ / ابن جبر، ۱۴۱۸ق، ص ۶۲۱ / متن از طبرسی است)

ج. موضع گیری نسبت به خلافت غصب شده

فاطمه علیها السلام به اشکال مختلفی نسبت به ماجرای غصب خلافت و بازیگران این عرصه و مستندات و دلایل آنها، موضع گیری کرده است و تحلیلی روشن از مآووع ارائه می دهد. به گوشه ای از این موضع گیری ها اشاره می شود:

۱. تحلیلی بر غصب خلافت و اهداف آن

حضرت فاطمه علیها السلام در خصوص فعالیت ها و اقدامات غصب کنندگان خلافت و اهدافشان می فرماید: «ثم لم تلبثوا إلّا ریث أن تسکن نفرتها و یسلس قیادها ثم أخذتم تورون و قدتها و تهیجون جمرتها و تستجیون لهتاف الشیطان الغوی و إطفاء انوار الدین الجلی و إخماد سنن النبی الصفی، تسرون حسوا فی ارتغاء و تمشون لاهله و ولده فی الخمر و الضراء و نصبر منکم علی مثل حز المدی و وخز السنان فی الحشاء»؛ آنگاه شما درنگ نکردید، مگر به مقداری که چموشی خلافت ساکت شود و افسار شترش، آرام و روان گردد (و در اختیار شما قرار گیرد و خلافت را در دست گرفتید)، پس آتش گیره ها را افروخته تر کردید و به آتش دامن زدید تا آتش را شعله ور کنید. با جان و دل به ندهای گمراه کننده شیطان پاسخ داده و به خاموش کردن انوار روشن دین و از بین بردن سنت های پیامبر مطهر پرداختید و به بهانه خوردن کف و رویه شیر، خود شیر را پنهانی تو دزدکی می نوشید (کنایه از تظاهر به چیزی و اراده چیز دیگری)، برای خانواده و فرزندان او در پشت تپه ها و درختان کمین گرفته و راه می رفتید و بر صدمه هایی از شما که مثل خنجر بران است و بر فرو رفتن سر نیزه در میان شکم باید صبر کنیم. (از خطبه فدک، منابع پیش گفته)

۲. تحلیلی بر رفتار انصار و توبیخ آنها

از جمله گروه‌هایی که در رابطه با غصب خلافت نقش ایفا نمود و در کنار غاصبان ایستاد، گروه انصار بود. ایشان با توجه به تعداد و جایگاهشان و نیز اقداماتی که صورت دادند، توانستند به غاصبان مشروعیت خاصی ببخشند. فاطمه علیها السلام در فرازی در باره آنها می‌فرماید: «فهیئات منکم و کیف بکم و انی توفکون و کتاب الله بین اظهرکم، اموره ظاهره و احکامه زاهره و اعلامه باهره و زواجره لایحه و اوامره واضحه و قد خلفتموه وراء ظهورکم، ارغبه عنه تریدون؟ ام بغیره تحکمون؟ بئس للظالمین بدلاً» و «مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْاِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ» (آل عمران: ۸۵)؛ چه دور شدید، و چطور این کار را کردید، و به کجا می‌روید در حالی که کتاب خدا در میان دست و پای شماست، نشانه‌های آن پیداست، نواهی و اوامر آن آشکار است، ولی آن را پشت سر انداختید، آیا به آن رغبتی ندارید؟ یا به غیر قرآن حکم می‌کنید؟ برای ظالمان حکم مخالف قرآن جایگزین بدی است «و هر کسی غیر از اسلام دینی را طلب کند از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.» (از خطبه فدک، منابع پیش گفته)

۳. ردّ ادعای ابوبکر در امر خلافت

حضرت زهرا علیها السلام پس از شنیدن سخن ابوبکر که با دخیل دانستن مسلمانان در انتخاب خود، گفت: «هؤلاء المسلمون بینی و بینک قلدونی ما تقلدت» (مردم مرا برای خلافت انتخاب کردند)، خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «معاشر المسلمون المسرعه الى القيل الباطل، المغضيه على الفعل القبيح الخاسر» «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَيَّ قُلُوبٌ أَقْفَالُهَا» (محمد: ۲) و «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ» (مطففين: ۱۴) ما أساتم من أعمالکم فأخذ بسمعکم و أبصارهم و لبئس ما تاولتم و ساء ما به أشرتتم و شر ما منه اغتصبتم لتجدن - والله - محمله ثقيلاً و غبه وبيلا إذا كشف لكم الغطاء و بان بأورائه الضراء

"وَبَدَأَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ" (زمر: ۴۷)، "و خسر هنالك المبتلون" (غافر: ۷۸): ای مسلمانان که برای شنیدن حرف بیهوده شتابان هستید و اعمال ناروای زیان‌آور را نادیده می‌گیرید، «آیا در قرآن نمی‌اندیشند یا آنکه بر دل‌هایتان مهر زده شده است؟» و «چنین نیست، بلکه ظلمت ظلم و بدکاری‌هایشان بر دل‌های تیره آنها غلبه کرده است» بلکه آنچه از اعمال زشت انجام داده‌اید تیرگی بر دل‌های شما زده است و چشم و گوش دلتان کور شده است، آیات قرآن را به بد موضعی تأویل می‌کنید و بد راهی به او نشان دادید و بد معاوضه کردید. به خدا قسم تحمل این بار برایتان سنگین و سرانجام این ظلم بزرگ را وخیم خواهید یافت و وقتی که پرده برداشته شود و زیان‌های این امر برایتان روشن گردد و «آنچه را که حساب نمی‌کردید بر شما آشکار گردد»، «آنجاست که اهل باطل زیانکار گردند.» (طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۱۴۴ / طبری شیعی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۹ / ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۴۹ / تبریزی انصاری، ۱۴۱۸ق، ص ۶۹۴ / نقوی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۰۰ / مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۹، ص ۲۳۲ / قمی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۸، متن به نقل از طبرسی است)

۴. موضع‌گیری نسبت به گرفتن بیعت اجباری از علی علیه السلام

هنگامی که سرانجام پس از فراز و نشیب‌هایی دردناک، قرار شد از علی علیه السلام به زور بیعت بگیرند، فاطمه علیها السلام این صحنه دردناک را چنین فریاد می‌آورد: «والله لا أدعکم تجرون ابن عمی ظلماً و لکم ما أسرع ما خنتم الله و رسوله فینا أهل البيت و قد أوصاکم رسول الله صلی الله علیه و آله باتباعنا و مودتنا و التمسک بنا. فقال الله تعالی "قُلْ لا أَسْأَلُکُمْ أَجْراً إِنْ أُمِدَّتْ فِی الْقُرْبَى" (شوری: ۲۳) و أسفا علیک یا ابتاه و ائکل حبیبک ابو الحسن الموتمن و ابو سبیطک الحسن و الحسین علیهما السلام و من ربیته صغیراً و آخیته کبیراً و أجلّ أحبائک لیک و أحبّ أصحابک علیک أولهم سبقاً الی الاسلام و مهاجره إلیک یا خیر الأنام فها هو یساق فی الأسر کما یقاد البعیر»؛ به خدا قسم، نمی‌گذارم پسر عمویم را

اینچنین ظالمانه بر روی زمین بکشید. وای بر شما، چقدر سریع در مورد ما به خدا و رسولش خیانت کردید! مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله شما را به تبعیت از ما و دوستی با ما و تمسک بر ما اهل البیت سفارش نکرد؟ و مگر خداوند در قرآن فرمود: «ای پیامبر، به مردم بگو من مزد و پاداشی بر رسالت خویش نمی‌خواهم مگر دوستی اهل البیت»؟ افسوس بر خیانتی که این مردم نسبت به تو نمودند پدر! و افسوس به تنهایی حبیبیت، ابوالحسن امین و پدر نوه‌هایت حسن و حسین علیهما السلام. کسی که در کودکی پرستارش و در بزرگی برادرش بودی! عزیزترین دوست و نزدیک‌ترین یار تو بود! و آنکه جلوتر از همه اسلام آورده و جلوتر از همه در راه اسلام مهاجرت کرد! هم‌اکنون او در بند به جلو رانده می‌شود، همچنان که شتر به جلو رانده می‌شود. (رحمانی همدانی، ۱۴۱۷ق، ص ۷۰۹ / قمی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۱۷ / لجنة الحدیث فی معهد باقرالعلوم، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۸ / متن به نقل از قمی (عباس) است)

۵. یادآوری عهدشکنی مسلمانان در خصوص ولایت علی علیه السلام

فاطمه علیها السلام در سخنانی، به عهدشکنی مردم نسبت به عهدی که با پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص خلافت علی علیه السلام بسته بودند، اشاره کرده، می‌فرماید: «لا عهد لی بقوم حضروا أسوء محضر منکم أترکتهم رسول الله صلی الله علیه و آله جنازه بین أیدینا و أمرکم فیما بینکم، لم تستامرونا و لم تردوا لنا حقاً کأنکم لم تعلموا ما قال یوم غدیر خم! والله لقد عقد له یومئذ الولاة، ليقطع منکم بذلک منها الرجاء و لکنکم قطعتم الاسباب بینکم و الله حسیب بیننا و بینکم فی الدنیا و الآخرة»؛ همانا مردمانی از شما بدتر در عهدشکنی و بی‌وفایی نشناخته‌ام! شما جنازه رسول خدا صلی الله علیه و آله را در بین ما رها کرده و عهد و پیمانتان را شکستید، اطاعت ما را نکردید و حق ما را به ما باز نگرداندید، گویا که شما نمی‌دانید که در روز غدیر خم (پیامبر) چه گفت! به خدا قسم که در آن روز (غدیر) پیامبر ولایت را به علی سپرد و آرزوی آنهایی را که به خاطر مقام و قدرت به رسول

پیوسته بودند برید. شما امروز پیوند بین خود و پیامبر را شکستید و خداوند بین ما و شما داور است و در دنیا و آخرت برای ما کافی است. (طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۱۰۵ / ابن قتیبه دینوری، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۹ / مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۸، ص ۱۰۵ / قمی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۸. متن به نقل از طبرسی است)

۶. اشاره به تغییر جایگاه خلافت و زیان ناشی از آن

حضرت زهرا علیها السلام پس از غصب خلافت، نسبت به زیانی که این کار به همراه دارد، می‌فرماید: «ویحهم! أنى زعزعوها؟ عن رواسى الرساله و قواعد النبوة و الدلاله و مهبط الروح الأمين و الطبین بأمور الدنيا و الدین، الا ذلك هو الخسران المبین»؛ وای بر آنان! آیا می‌دانند که خلافت را از کدام جایگاهی حرکت دادند؟! از کوه‌های بلند و استوار رسالت و پایگاه‌های پیامبری و روشنگری و فرودگاه روح‌الامین و آگاه به امور دنیا و دین. بدانید که این زیان بزرگی است. (طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۱۴۷ / مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۶۰)

۷. تحلیلی بر ماهیت کودتای سقیفه

حضرت فاطمه علیها السلام در کلامی خطاب به أم سلمه، با بیان گوشه‌ای دیگر از ماجراهای پشت پرده کودتای سقیفه، و عوامل و اسباب پنهان این توطئه را برملا می‌سازد. سخنانی اینچنین از سویی، نشان از حضور فعال فاطمه علیها السلام در عرصه اجتماعی است و از سوی دیگر، ژرف‌نگری و پیگیری و تحلیل‌سازی بر حوادث. ایشان می‌فرماید: «أصبحت بین کمد و کرب: فقد النبى صلی الله علیه و آله و ظلم الوصی هتک والله حجه، فأصبحت إمامته و أحكامه مقتضبة علی غیر ما شرعها الله فى التنزیل و سنّها النبى صلی الله علیه و آله فى التأویل و لكنها أحقاد بدرية و تراث أحدية، كانت علیها قلوب النفاق مکتمنة لإمكان الوشاة، فلما استهدف الأمر [أرسلت علينا شایب الأشار] من مخيلة الشقاق و لیس [علی] ما وعد الله من حفظ الرساله و كفالة المؤمنین أحرزوا عائدتهم من غرور الدنيا

بعد انتصار ممن فتک بأبائهم فی مواطن الکروب و منازل الشهداءات؛» صبح کردم در حالی که در میان غم و اندوه بودم، پیامبر صلی الله علیه و آله از دست رفت و وصی او مظلوم واقع شد! به خدا قسم گویا چادر از سرش کشیده شده است؛ آنکه امامش به گونه‌ای مظلوم شود که نه طبق دستور خدا با او عمل شود و نه طبق توصیه پیامبر. آنچه (این قوم) با علی علیه السلام کردند، تنها با کینه‌های جنگ بدر و احد سازگاری داشت که در دل‌های منافقان تا به حال پنهان بود و هر لحظه احتمال این فتنه می‌رفت و اکنون که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفته، آن کینه‌ها علنی شده‌اند و چه مصیبت‌ها که از بدبختی خودشان بر سر ما می‌آورند! آنان رشته عهد و پیمان خود را (با پیامبر) پاره کردند و چه بد موضعی در برابر وعده الهی بر حفظ رسالت و سرپرستی مؤمنان نشان دادند! و چه بد فریب‌دنیای فانی را خوردند. پس از پیروزی اسلام و مسلمین، دوباره از امیرالمؤمنین اعراض نمودند؛ چراکه علی دلیرانه پدران و اجداد مشرک و کافر آنها را در عرصه‌های مختلف جنگ و دلیری به هلاکت رسانده است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۴۹ / تبریزی انصاری، ۱۴۱۸ق، ص ۸۴۹ / قمی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۹۱ / مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۵۶ / رحمانی همدانی، ۱۴۱۷ق، ص ۷۴۵ / شاهرودی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۱۴۵. متن از قمی (محمد) است)

۸. ذکر اسباب عدم تمایل قریش به علی علیه السلام

به طور قطع، از مخالفان سرسخت خلافت علی علیه السلام قریشیان بودند و فاطمه علیها السلام در تحلیل این رفتار می‌فرماید: «ما الذی نقموا من ابی الحسن؟ نقموا والله منه نکیر سیفه و قلة مبالاته لحتفه و شدة وطاته و نکال وقعته و تمره فی ذات الله؛» چه چیزی از علی را ناخشنود داشتند؟ به خدا سوگند! ناخشنودی و خشمی که آنان از شمشیر برانش و بی‌اعتنایی‌اش به مرگ و سختی حمله و جنگش و شدت ضرباتش و خشم و غضبش در راه خدا داشتند. (طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۱۴۸)

د) دفاع صریح فاطمه علیها السلام از خلافت علی علیه السلام

فاطمه علیها السلام علاوه بر رد خلافت دیگران، در مواردی، به دفاع از خلافت علی علیه السلام پرداخته و با دلیل و برهان حقانیت علی علیه السلام را بر این امر روشن ساخته است. در ذیل، به برخی از این سخنان اشاره می‌شود:

۱. استدلال فاطمه علیها السلام به حدیث غدیر و منزلت در دفاع از ولایت

بی‌تردید، پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از رحلتشان به تصریح و تلویح، جانشین پس از خود را به مردم معرفی کرده بود. خطبه غدیر به صراحت، و حدیث منزلت به تلویح بر این امر دلالت دارند. فاطمه علیها السلام نیز در دفاع از ولایت بر حق علی علیه السلام به این دو حدیث گران‌بها استناد کرده و می‌فرماید: «أنسیتم قول رسول الله صلی الله علیه و آله یوم غدیر خم: من کنت مولاه فهذا علی مولاه؟ و قوله صلی الله علیه و آله: أنت منی بمنزلة هارون من موسی علیه السلام؛ آیا گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله را در روز غدیر که گفت: هر کس که من مولای اویم علی مولای اوست و گفته ایشان را که فرمود: تو برای من به منزله هارون برای موسی هستی، فراموش کردید؟ (طبری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۲۴/ نقوی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۱۸۸/ امینی، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۱۹۷/ ری شهری، ۱۴۲۵ق، ص ۳۱۸/ رحمانی همدانی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۳۲/ بحرانی، [بی‌تا]، ج ۶، ص ۱۲۲/ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۰، ص ۹۴. متن به نقل از امینی است)

۲. فواید زمام‌داری علی علیه السلام

اعتقاد به مدیریت و دیانت علی علیه السلام چنان در فاطمه علیها السلام راسخ بود که ایشان در فواید زمام‌داری علی علیه السلام چنین پیش‌گویی می‌کند: «و تالله لو مالو عن المحجة اللائحة و زالو عن قبول الحجة الواضحة لردهم اليها و حملهم علیها و سار بهم سیرا سجحاً لا یکلم

حشاشه و لا یکل سائره و لا یمل راکبه و لا وردهم منهلاً نمیراً صافياً رویاً تطفح ضفتاه و لا یترنق جانباه و لا صدرهم بطاناً و نصح لهم سرأ و اعلاناً و لم یکن یتحلی من الدنیا بطائل و لا یحظی منها بنایل غیر ری و شبعة الکافل و لبان لهم الزاهد من الراغب و الصادق من الکاذب "وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ" (اعراف: ۹۶)، "وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِن هَٰؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُم سَيِّئَاتٌ مَّا كَسَبُوا وَ مَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ" (زمر: ۵۱)؛ به خدا سوگند! اگر او را در جایگاه خلافت قرار می‌دادند و از قبول حجت روشن سر باز نمی‌زدند، آنان را به ملایمت و سهولت راه می‌برد و آنچنان آنان را آرام در این راه می‌راند که کوچک‌ترین آسیبی از راه بر آنان نمی‌رسید و از قدم زدن در این راه خسته و ملول نمی‌شدند و آنان را بر چشمه‌ای از حقیقت با آبی سیراب‌کننده، صاف و گوارا و فراوان، آنچنان که از دو طرفش سرریز می‌شود، وارد می‌کرد و اجازه نمی‌داد آب را گل‌آلود کنند و باطن آنان را از این آب حیات پر می‌کرد و در پنهان و آشکار آنان را پند و اندرز می‌داد. اگر وی در محل زمام‌داری می‌نشست هیچ‌گاه بهره‌فراوانی از بیت‌المال برای خویش بر نمی‌داشت و از ثروت دنیا جز به اندازه‌نیاز برداشت نمی‌کرد؛ جز به اندازه‌آبی که رفع تشنگی و طعامی که رفع گرسنگی نماید و در چنین خلافتی، زاهد واقعی از دنیاپرست و راستگو از دروغگو جدا می‌شد. «اگر اهل قریه (جوامع بشری) ایمان و تقوا را پیشه سازند، برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشایم، ولی آنان دروغ می‌گویند و آنان را به آنچه عمل می‌کنند کیفر می‌دهیم»، «و کسانی که از اینان ظلم کردند نتایج سوء کرده‌ها و دستاوردهایشان به‌زودی به آنان خواهد رسید و آنان هرگز بر ما غلبه نخواهند یافت.» (طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۱۴۸)

۳. پیامد کنار گذاشتن علی علیه السلام از خلافت

فاطمه علیها السلام با علم و دانش خدادادی و با نگرشی ژرف به امور و بصیرت الهی، آینده جامعه مسلمانان را در صورت کنار گذاشتن علی علیه السلام، به عیان مشاهده می‌کرد. او به حق در این باره می‌فرماید: «ویحهم!» «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس: ۳۵) «أَمَّا لِعَمْرِي لَقَدْ لَقِيتُ فَنظْرَهُ رِيثًا تَنْتَجُوا ثُمَّ احْتَلَبُوا مَلَاقِعَ الْقَعْبِ دَمًا عَيْطًا وَ ذَعَا فَا مَبِيدًا، هِنَا لَكَ يَخْسِرُ الْمَبْطُلُونَ وَ يَعْرِفُ الْبَطَالُونَ غَبَّ مَا أَسَسَ الْأَوْلُونَ ثُمَّ طَيَّبُوا عَن دُنْيَا كَمْ أَنْفَسَا وَ اطْمَانُوا لِلْفِتْنَةِ جَاشَا وَ ابْشَرُوا بِسَيْفِ صَارِمٍ وَ سَطْوَةِ مَعْتَدٍ غَاشِمٍ وَ هَرَجٍ شَامِلٍ وَ اسْتِبْدَادٍ مِنَ الظَّالِمِينَ، يَدْعُ فَيْئَكُمْ زَهِيدًا وَ جَمْعَكُمْ حَصِيدًا. فَيَا حَسْرَةً لَكُمْ وَ أَنِي بَكُمْ! وَ قَدْ عَمِيتَ عَلَيْكُمْ "أَنْزَلِمُكُمْوهَا وَ أَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ"؛ وای بر آنان «آیا آن کسی که به حق هدایت می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است یا کسی که هدایت نمی‌شود جز اینکه هدایتش کنند؟ پس شما را چه شده که این قضاوت (نادرست) را می‌کنید؟» اما سوگند به جانم! زمان آّبستن حوادثی است که به زودی نتیجه آن را خواهید دید. از پستان شتر پس از این، خون بدوشید و زهری که به سرعت هلاک می‌کند. آن هنگام است که خسران باطل‌گرایان و چهره دروغ‌گویان در پی آنچه گذشتگان اساس آن را نهادند ظاهر می‌شود و شما هم برای دنیای خودتان به این کار راضی شدید و با آرامش، دل به این فتنه دادید و شما را به شمشیرهای کشیده و حمله جائز ظالم و متجاوز ستمکار و به هم ریختن امور همگان و استبداد و دیکتاتوری از سوی ستمگران، بشارت می‌دهم. غنایم و حقوق شما را اندک خواهند داد و جمعتان را به وسیله شمشیرهایشان درو خواهند کرد. پس در آن هنگام بر شماست پشیمانی و حسرت! ولی دیگر فرصت سپری، و افق‌ها تاریک شده است. «آیا شما را به هدایت واداریم، در حالی که شما از پذیرش آن کراهت دارید؟» (شیخ صدوق، ۱۳۷۹ق، ص ۳۵۵/ شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۷۶)

۴. اتمام حجّت فاطمه با مسلمانان در خصوص خلافت علی علیه السلام

بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام اولین مدافع از نبوت پیامبر و سپس خلافت علی علیه السلام بود. عمر شریفشان را بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله در دفاع از حق علی علیه السلام گذراند. علی علیه السلام در چهل شب فاطمه علیها السلام را بر روی چهارپایی می‌نشاند و ایشان را به مجالس انصار و مهاجر برای یاری از آنان می‌برد. آنان در جواب درخواست کمک حضرت می‌گفتند: ما با ابوبکر بیعت کردیم و اگر همسر و پسر عموی تو زودتر از این اقدام می‌کرد، ما از او پیروی می‌کردیم و حضرت فاطمه علیها السلام در جواب می‌فرمود: «ما صنع أبوالحسن ألا ما كان ينبغى له و لقد صنعوا ما لله حسيبهم و طالبهم»؛ آنچه را سزاوار و شایسته بود ابوالحسن انجام داد و آنان کارهایی کردند که تنها خدا از آنان حساب خواهد کشید. (جوهری، ۱۴۱۳ق، ص ۶۴/ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ص ۴۰۴/ ابن قتیبه دینوری، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۹/ قمی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۲/ بحرانی، [بی‌تا]، ج ۶، ص ۱۸/ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۱۳/ امینی، ۱۳۹۷ق، ج ۵، ص ۳۷۲)

نتیجه

یکی از مهم‌ترین رویدادهای صدر اسلام که می‌توان گفت در سرنوشت اسلام، تأثیر بسیار و غیرقابل انکاری داشت، امر خلافت و جانشینی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله بود که در این رویداد پیچیده و پرفراز و نشیب، شایسته‌ترین فرد از حیث نصّ و شخصیت، از این مقام کنار گذاشته شد. فاطمه علیها السلام هرچند پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، چندان عمری در همراهی با علی علیه السلام نداشتند و از فراق پدر و از اندوه مصائب وارده به اسلام، دار فانی را خیلی زود وداع گفتند، اما بنا بر شواهد و مدارک موجود، در همین مدت کوتاه، در گفتار و در عمل، از علی علیه السلام و خلافت بر حق ایشان دفاع کردند و بدین‌گونه، برای آیندگان مدرکی غیرقابل انکار از حقانیت ولایت علی علیه السلام بر مسلمانان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله بر جای نهادند.

منابع

۱. ابن ابی الحديد؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۲، [بی جا]: دار إحياء الكتب العربية عيسى البابی الحلبي و شرکاه، ۱۳۸۷ق.
۲. ابن جبر، علی بن یوسف؛ نهج الايمان؛ مشهد: مجتمع امام هادی ؑ، ۱۴۱۸ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ مناقب آل ابی طالب؛ نجف اشرف: المكتبة الحيدرية، ۱۳۷۶ق.
۴. ابن دمشقي، شمس الدين ابی برکات؛ جواهر المطالب في مناقب الامام علی ؑ؛ قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۵ق.
۵. ابن طيفور، أبی الفضل بن أبی طاهر؛ بلاغات النساء؛ قم: مكتبة بصيرتي، [بی تا].
۶. ابن طاووس حلبي، علی بن موسی؛ الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف؛ [بی جا]: [بی تا]. ۱۳۹۹ق.
۷. ابن قتيبه دينوري، عبدالله ابن مسلم؛ الأمانة و السياسة؛ [بی جا]: مؤسسة الحلبي و شرکاه للنشر و التوزيع، [بی تا].
۸. ابن مردويه اصفهاني، احمد بن موسی؛ مناقب علی ابن أبی طالب و ما نزل من القرآن في علی لملك الحفاظ؛ ج ۲، [بی جا]: دارالحديث، ۱۴۲۴ق.
۹. اربلي، علی بن عيسى؛ كشف الغمة في معرفة الأئمة؛ بيروت: دارالأضواء، [بی تا].
۱۰. اميني، عبد الحسين احمد؛ الغدير في الكتاب و السنة و الادب؛ ج ۴، بيروت: دارالكتاب العربي، ۱۳۹۷ق.
۱۱. بحراني، سيدهاشم؛ مدينة المعاجز الأئمة الاثني عشر و دلائل الحجج علی البشر؛ قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ق.
۱۲. _____؛ غاية المرام و حجة الخصام في تعيين الإمام من طريق الخاص و العام؛ [بی جا]: [بی تا]. [بی تا].
۱۳. تبريزي انصاري، محمد بن علی؛ اللمعة البيضاء في شرح خطبة الزهراء ؑ؛ قم: دفتر نشر الهدی، ۱۴۱۸ق.
۱۴. جوهری، احمد بن عبد العزيز؛ السقيفة و الفدک؛ ج ۲، بيروت: شركة الكتبي للطباعة و النشر، ۱۴۱۳ق.
۱۵. رحمانی همداني، احمد؛ الإمام علی بن أبی طالب ؑ؛ تهران: المنير للطباعة و النشر، ۱۴۱۷ق.
۱۶. ری شهری، محمد؛ موسوعة الإمام علی بن أبی طالب ؑ في الكتاب و السنة و التاريخ؛ ج ۲، [بی جا]: دار الحديث للطباعة و النشر، ۱۴۲۵ق.

۱۷. نمازی شاهرودی، علی؛ مستدرک سفینه البحار؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۹ق.
۱۸. شیخ صدوق، محمد بن علی؛ معانی الأخبار؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۳۷۹ق.
۱۹. شیخ طوسی، محمد بن حسن؛ الامالی؛ قم: دار الثقافة للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۴ق.
۲۰. طبرسی، احمد بن علی؛ الاحتجاج؛ نجف اشرف: دار النعمان للطباعة و النشر، ۱۳۸۶ق.
۲۱. طبری (شيعی)، محمد بن جرير؛ دلائل الامامة؛ [بی جا]: مركز الطباعة و النشر في مؤسسة البعثة، ۱۴۱۳ق.
۲۲. قمی، محمد بن حسن؛ العقد النضيد و الدر الفريد في فضائل اميرالمؤمنين و اهل بيت النبي؛ [بی جا]. دار الحديث للطباعة و النشر، ۱۴۲۳ق.
۲۳. قمی، عباس؛ بيت الاحزان في ذكر احوالات سيدة نساء العالمين فاطمة الزهراء ؑ؛ قم: دار الحكمة، ۱۴۱۲ق.
۲۴. لجنة الحديث في معهد باقرالعلوم ؑ؛ موسوعة شهادة المعصومين؛ [بی جا]: نور السجاد، ۱۳۸۰ش.
۲۵. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار؛ بيروت: دار الرضا، ۱۴۰۳ق.
۲۶. مغربی، قاضي نعمان؛ شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار؛ تحقيق سيدمحمد حسيني جلالی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، [بی تا].
۲۷. نقوی، سيدحامد؛ خلاصة عبقات الانوار؛ تهران: مؤسسة البعثة، قسم الدراسات الاسلامية، ۱۴۰۴ق.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی